

India's foreign policy in Afghanistan; Emphasizing Afghanistan's role in securing India's national interest ((2001-2013

Sayed Amir Niakoe¹

Abdollah Khavari²

Abstract

After the events of September 11, 2001, India-Afghanistan relations took on new dimensions and India needed to reconsider its foreign policy in Afghanistan. Given the situation in Afghanistan, this country is of particular importance to India, and India has in recent years tried to achieve some of its goals through Afghanistan. Afghanistan's strategic position gives Pakistan the opportunity to limit Pakistan's influence and control, and in addition Afghanistan is a bridge between India and Central Asia so that India can access the region through Afghanistan and achieve its various goals. This study seeks to answer the question of what is the foreign policy of India in post-Taliban Afghanistan and what is the role of Afghanistan in securing India's national interests? The research hypothesis is that in order to achieve its national interests, India first seeks to integrate with Afghanistan by helping to develop and rebuild Afghanistan, and then set the country as a bridge to Central Asia in order to secure its economic and political interests by gaining the trust of the Afghan parties. to evaluate the hypothesis, Zaharnas relational framework theory has been used. this research is descriptive - analytic and has been used to collect resources from the library method.

Key words: India, Afghanistan, Foreign Policy, National Interests, Convergence.

1Faculty member of Guilan University
niakoe@gmail.com

2Phd student in international relations-Guilan university
mihan0093@gmail.com



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

سیاست خارجی هند در افغانستان؛ با تأکید بر نقش افغانستان در تأمین منافع ملی هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)

سید امیر نیاکویی^۱

عبدالله خاوری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

چکیده

بعد از تحولات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روابط هند و افغانستان ابعاد جدیدی پیدا کرد و نیازمند این بود تا هند در سیاست خارجی خود در افغانستان بازنگری داشته باشد. با توجه به موقعیت افغانستان، این کشور از اهمیت ویژه‌ای برای هند برخوردار بود و هند نیز طی این سال‌ها سعی داشت تا برخی اهداف خود را از طریق افغانستان به نتیجه برساند. موقعیت استراتژیک افغانستان فرصت تحدید نفوذ و مهار پاکستان را به هند داده و علاوه بر آن افغانستان به عنوان پلی ارتباطی بین هند و آسیای مرکزی محسوب می‌شد به طوری که هند می‌توانست از طریق افغانستان به این منطقه دسترسی داشته و به اهداف مختلف خود دست یابد. این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤال است که سیاست خارجی هند در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۱۳) بر چه استراتژی استوار بود و افغانستان چه نقشی در تأمین منافع ملی هند داشت؟ فرضیه مقاله این است که هند برای دستیابی به منافع ملی خود ابتدا از طریق کمک به بازسازی افغانستان به ایجاد همگرایی با افغانستان پرداخت و سپس با جلب اعتماد طرف‌های افغانستانی، این کشور را به عنوان پلی برای رسیدن به آسیای مرکزی برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود در نظر گرفت. برای ارزیابی فرضیه تحقیق نیز از نظریه چارچوب رابطه‌های زهارنا استفاده شده است. این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و برای گردآوری منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند در افغانستان: با تأکید بر نقش افغانستان در تأمین منافع ملی هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)

واژگان کلیدی: هند، افغانستان، سیاست خارجی، منافع ملی، همگرایی

۱ دانشیار و هیئت علمی دانشگاه گیلان

com.gmail@niakooe

۲ دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

com.gmail@mihan0093

سرزمین و مردم افغانستان دارای پیشینه طولانی در ارتباط با هند هستند. این کشور به عنوان دروازه‌ای برای ورود به شبه قاره هند منظور می‌شده است. هند نیز بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حضور فعال و همکاری جویانه نسبت به این کشور داشت، تا جایی که تا پایان دهه اول قرن جدید، حدود ۳ میلیارد دلار کمک بلاعوض به افغانستان نمود (Bajoria, 2009). می‌توان هدف هند از این سیاست را تأمین منافع ملی خود دانست چون منافع ملی این کشور به نوع نگاه این کشور به هند گره خورده بود. توسعه و ثبات در افغانستان به صورت مستقیم در کاهش تهدیدات امنیتی در هند مرتبط است چراکه در صورت مهار افراط‌گرایی اسلامی در افغانستان، هند نیز از گزند این نوع تهدیدات در امان است. تحقیقات مشخص کرده که افغانستان به عنوان پناهگاهی امن برای گروه‌های تروریستی بوده و این گروه‌ها می‌توانستند حملاتی را علیه هند طراحی و اجرا کنند. در سطحی کلاتر استدلال شده که «افغانستان برای هند دارای اهمیت استراتژیک است چون هند در منطقه جنوب آسیا به دنبال یک متحد وفادار است. از سوی دیگر افغانستان به عنوان یک عامل توازن بالقوه در رابطه با پاکستان برای هند محسوب میشود (Bajoria, 2009) لذا هند توسعه و بازسازی افغانستان را به عنوان یکی از اهداف خود در افغانستان در نظر گرفته و معتقد است علاوه بر اینکه افغانستان باثبات می‌تواند در کاهش تهدیدهای امنیتی برای هند مؤثر واقع شود بلکه نوعی احساس دوستی، مودت و همگرایی بین دو کشور ایجاد خواهد شد که می‌تواند زمینه و مقدمه‌ای برای دیگر اهداف هند باشد.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)

هند از بدو استقلال خود تا امروز چند مجموعه تحولات را در عرصه سیاست خارجی خود پشت سر گذاشته است. می‌توان اخلاق مداری و نهرئویسم را از اولین اصول سیاست خارجی هند معاصر دانست و سپس واقع‌گرایی و چرخش به عمل‌گرایی اقتصادی را اصول نوین سیاست خارجی این کشور محسوب کرد. طبق اصل عمل‌گرایی اقتصادی، هند یک مجموعه اهداف اقتصادی را پیگیری می‌کند که برای رشد، توسعه و تبدیل شدن این کشور به یک قدرت بین‌المللی لازم است. یکی از این اهداف، ورود هند به آسیای مرکزی است. هند از طریق ورود به این منطقه توانایی قبضه کردن بازارهای این منطقه را به دست آورده و می‌تواند کالاهای خود را در این منطقه به فروش رساند. از طرفی این کشور می‌تواند انرژی‌های فسیلی و سوخت مورد نیاز تأسیسات هسته‌ای خود (اورانیوم) را از این منطقه تأمین کند. علی‌رغم اهداف اقتصادی، هند از این امر می‌تواند برای مهار رقیب استراتژیک خود یعنی پاکستان نیز استفاده کند. به طوری که هند با افزایش عمق استراتژیک خود در منطقه آسیای مرکزی، از محاصره شدن توسط پاکستان

جلوگیری به عمل آورده و می‌تواند از طریق جغرافیای این محل تحرکات پاکستان را زیر نظر بگیرد. افغانستان می‌تواند در زمینه‌های مختلف، تأمین کننده منافع و اهداف هند در منطقه و حتی فراتر از منطقه باشد. این منافع هم شامل منافع سیاسی بوده و هم منافع اقتصادی را در بر می‌گیرد. باید گفت افغانستان دروازه ورود هند به آسیای مرکزی است چراکه هند از طریق بندر چابهار ایران خود را به افغانستان متصل کرده و از طریق افغانستان به آسیای میانه وارد می‌شود. در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که سیاست خارجی هند در افغانستان (۲۰۱۳-۲۰۰۱) بر چه استراتژی استوار بود و افغانستان چه نقشی در تأمین منافع ملی هند داشت؟ نویسندگان در ابتدا به پیشینه پژوهش و سپس چارچوب نظری پرداخته و در ادامه سیاست خارجی هند در افغانستان طی دو بازه زمانی پیش و پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ را مورد مطالعه قرار داده و نقش افغانستان در تأمین منافع ملی هند در بازه فوق را مورد بحث قرار می‌دهند و در پایان به نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۱. ادبیات پژوهش

در رابطه با سیاست خارجی هند در قبال افغانستان، آثار مختلفی به رشته تحریر درآمده و در آنها سعی شده است که ابعاد و اولویتهای هند در روابط منطقه‌ای و سیاست خارجی این کشور در افغانستان مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. در ادامه برخی از مهمترین آثاری که پیرامون این موضوع نوشته شده مورد بررسی قرار گرفته و تفاوت پژوهش حاضر با آثار فوق بیان میگردد.

نوذر شفیع، شهریار فرجی نصیری و افشین متقی در مقاله‌ای با عنوان رویکرد هند در قبال افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۱۳۹۱) دکتربین سیاست خارجی هند را به سه دایره متحدالمرکز تقسیم‌بندی می‌کنند که در آن افغانستان در دایره نخست قرار دارد و لذا این کشور از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی هند برخوردار است. در این اثر استدلال شده که پس از حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان، هند در صدد نفوذ در افغانستان برآمد تا از طریق رویکردهای همکاری جویانه و مشارکت در بازسازی این کشور، نفوذ پاکستان در افغانستان را کاهش داده و به نوعی این کشور را در محاصره سیاسی قرار دهد و خود نیز از طریق گسترش نفوذ به آسیای مرکزی از قرار گرفتن در محاصره چین-پاکستان خارج شود.

در گزارشی تحت عنوان هند و افغانستان: شراکت توسعه که توسط وزارت امور خارجه هند انجام شده، به دیپلماسی عمومی هند در افغانستان بعد از ۲۰۰۱ پرداخته شده است. در این تحقیق اقدامات و عملکرد دولت هند در قبال افغانستان که به عنوان کمک‌های هند به افغانستان معرفی شده، با استفاده از ادبیات دیپلماسی عمومی تشریح شده است. یکی از نقاط قوت



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)،

این تحقیق این است که اقدامات هند در افغانستان را با جزئیات آن تشریح کرده است.

سید اکبر سجادی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) به بررسی تطبیقی سیاست خارجی هند و پاکستان در افغانستان از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۶ (۱۳۹۷) پرداخته است. وی استدلال کرده که اکثر حوادث سیاسی در منطقه تحت تأثیر روابط دو کشور هند و پاکستان می‌باشد. از این جهت این دو کشور از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای در افغانستان محسوب شده و در تحولات و قضایای افغانستان نقش اساسی داشته است. در نهایت وی به بررسی نقاط اشتراک و افتراق سیاست خارجی هند و پاکستان در افغانستان پرداخته و اینگونه نتیجه گرفته است که غیر از مسائل اقتصادی و دسترسی دو کشور به منابع انرژی در آسیای مرکزی، سیاست خارجی دو کشور همواره در مسائلی نظیر؛ اختلافات مرزی، مسأله تروریسم و افراط‌گرایی متعارض و ناهمگون بوده است.

راکش سودا^۱ در مقاله تحت عنوان بازتعریف نقش هند در افغانستان که در سال ۲۰۲۱ به رشته تحریر درآمده، اقدامات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هند در افغانستان را طی سالیان اخیر بررسی کرده و در واقع به مطالعه دیپلماسی عمومی هند در افغانستان پرداخته است. وی در این تحقیق، عملکرد هند در افغانستان را مورد قبول دانسته ولی نبود برنامه منسجم برای مدیریت این کمک‌ها را مورد انتقاد قرار داده است.

اگرچه آثار فوق بینش‌های مفیدی را درباره سیاست خارجی هند در افغانستان ارائه می‌دهند ولی با اثر حاضر تفاوت‌های قابل توجهی دارند. وجه تمایز اصلی تحقیق حاضر با دیگر تحقیقات انجام شده در این است که نویسندگان در این تحقیق برای بررسی سیاست خارجی هند در افغانستان از نظریه چارچوب رابطه‌ای زاهارنا^۲ استفاده کرده‌اند، امری که در تحقیقات پیشین نامشهود است و می‌تواند به عنوان نوآوری تحقیق در نظر گرفته شود.

۲. چارچوب نظری: چارچوب رابطه‌ای زاهارنا

یکی از نظریه‌های مورد استفاده برای تبیین دیپلماسی عمومی، نظریه ارتباطات است. تأکید اصلی طرفداران این نظریه بر مبادلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. آنان معتقدند که افزایش ارتباطات و مبادلات کشورها، همبستگی آنان را گسترش داده و این امر در نهایت، منجر به همگرایی می‌شود (محمدی و احمدی، ۱۳۹۷: ۲۵۹). ارتباطات، سنگ‌پایه و



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)،

¹Rakesh Sood

² zaharna

زمینه اولیه تمدن بشری است. هر مقدار جوامع از سادگی به سوی پیچیدگی و پیشرفت حرکت می‌کنند ارتباطات نیز شکل پیچیده‌ای به خود می‌گیرد (دادگران، ۱۳۹۴: ۳۰ - ۲۹). این فرایند نیازمند احترام متقابل بوده و بدون آن، ارتباطی موفق تحقق پیدا نمی‌کند (کول، ۱۳۷۶: ۵۶ - ۵۵). حوزه ارتباطات به کلی از حوزه سیاست و روابط بین‌الملل جداست اما این دو حوزه متفاوت بسیار درهم تنیده بوده و می‌توان بسیاری از مواردی که مربوط به روابط بین‌الملل هست را از طریق نظریه‌های ارتباطات تجزیه، تحلیل و بررسی کرد (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۷۳). برای تبیین نظریه ارتباطات نیز می‌توان از نظریه چارچوب رابطه‌ای زاهارنا استفاده کرد.

زاهارنا در توضیح این نظریه، مشارکت را بر نمایش مقدم دانسته و آن را یک فرآیند می‌داند. فرآیندی که در آن علاوه بر تولید داده‌ها، باعث ایجاد پیوندهایی میان مخاطبین و حامیان می‌گردد (شاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۸) یعنی ابتدا اشتراکات و منافع متقابل عامه مردم و پیام‌رسان مشخص می‌شود، سپس شیوه‌های پیوند دادن آن‌ها با یکدیگر از طریق اشکال ارتباطی تعیین می‌شود (ستوده آرنای و علویان، ۱۳۹۱: ۱۶۶). همچنین در این نظریه بیشتر از اینکه بر محتوای پیام توجه شود به بافت پیام توجه شده و به دنبال بساختن ساختارهای اجتماعی است که در نهایت باعث تحقق اهداف سیاسی می‌شود (شاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۸). چارچوب رابطه‌ای ریشه در این دیدگاه در مورد ارتباطات دارد که از مفهوم مودت در ارتباطات آیینی، تمرکز بر رفتار و بی‌توجهی به پیام و توجه جمع‌گرایانه به هم وابسته به انسجام و همگونی اجتماعی را مورد تأیید قرار می‌دهد. در این چارچوب، دیپلماسی عمومی بر شناسایی و ایجاد روابط تمرکز دارد (Zaharna 2009:247). در این فرایند ایجاد ارتباط، در درجه نخست ابزاری برای بهبود تصویر و سیاست‌گذاری‌های ملی نیست، بلکه به عنوان هدفی است که به ایجاد یک فضای بین‌المللی بهتر کمک می‌کند. در این روش عامه مردم به عنوان مشارکت‌کننده تلقی می‌شوند. ویژگی اصلی این فرایند کم‌رنگ بودن قاعده بازی با حاصل جمع صفر است. در این فرایند ایجاد ارتباط به عنوان یک ابزار صرف در جهت ارتقای تصویر و خط‌مشی‌های ملی نیست. اکثر روش‌های مورد استفاده در این فرایند به هماهنگ‌سازی گرایش دارند نه کنترل. همچنین رابطه تعاملی میان کنشگر و افکار عمومی هدف در رأس اهداف این فرایند است. طبق این نظریه، هدف از اعمال سیاست خارجی مبتنی بر دیپلماسی عمومی، کمک به نزدیکی بیشتر ملت‌ها به یکدیگر است به طوری که گرچه در مراحل اولیه هدف از اعمال این روش خدمت به منافع ملی نیست ولی در نهایت با توجه به اقدامات و نیات کنشگر در نزدیک کردن ملت‌ها و انسان‌ها به یکدیگر، این امر موجب ایجاد تصویر مثبت خواهد شد (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۸۴ - ۱۸۲). این رویکرد زود بازده نیست اما منافع پایداری را برای اعمال‌کننده

ایجاد خواهد کرد (شاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۸). نظریه چارچوب رابطه‌ای دربردارنده توزیع مناسب و متقارن فرصت‌ها برای طرفین است به گونه‌ای که افراد برای هرگونه تفکر، نگرش و خواسته‌ای آزاد بوده، بتوانند پیشنهادات خود را مطرح کرده و هرگونه پیشنهادی را رد کنند و در نهایت بتوانند یکدیگر را متقاعد و قانع سازند(بشیر، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

مؤلفه‌های نظریه چارچوب رابطه‌ای را می‌توان طبق مبحث ذیل دسته‌بندی کرد: مؤلفه‌های لایه اول: این لایه عمدتاً متمرکز بر سطح فردی است.

۱. برنامه‌های مبادله آموزشی(تبادل استاد-دانشجو): این برنامه‌ها جزء لایه اول قرار می‌گیرد. اینگونه برنامه‌ها دارای سابقه طولانی است. برای مثال وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا در قالب برنامه بورسیه فولبرایت، دانشجویان آمریکایی را به دیگر کشورها فرستاده و دانشجویان خارجی را برای تحصیل به آمریکا دعوت می‌کند. هدف از این برنامه هم درک متقابل اعلام شده است(zaharna,2009: 93).

۲. دیدارهای سران کشورها: دیدار سران کشورها نشانگر اهمیت رابطه میان کشورهاست. مدت زمان این دیدارها، سخنرانی در محافل گوناگون، کنفرانس‌های مطبوعاتی مشترک، نحوه میزبانی و ... نیز در شدت و تأثیر روابط و دوستی تأثیرگذار است(zaharna,2009: 93-94).

مؤلفه‌های لایه دوم: در این لایه فعالیت‌ها از حالت فردی خارج شده و به طرح‌ها و برنامه‌های دربرگیرنده نهادها، گروه‌های گسترده و جوامع ارتقا پیدا می‌کند.

۱. مؤسسات فرهنگی و آموزش زبان: فرهنگ از منابع مهم قدرت نرم هر کشوری به شمار می‌رود که می‌تواند برای جذب دیگران مورد استفاده قرار گیرد(جمال‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۱-۸۰). اینگونه مؤسسات نیز برای به نمایش گذاشتن و اشاعه فرهنگ کشورها تأسیس شده‌اند. این مؤسسات سابقه طولانی دارند برای مثال می‌توان شورای بریتانیا و مؤسسه کنفوسیوس را از جمله این مؤسسات دانست(zaharna,2009:94).

۲. پروژه‌های کمک توسعه‌ای: این پروژه‌ها در راستای ایجاد و حفظ روابط و دوستی بین کشورها از اهمیت بالایی برخوردار بوده و در دو مرحله به ایجاد روابط و حفظ دوستی بین کشورها کمک می‌کند. در مرحله اول این پروژه‌ها که به نیت کمک ارائه می‌شود قلب‌های افکار عمومی و کشور کمک گیرنده را به سمت خود جذب می‌کند. در مرحله دوم؛ افراد دخیل در این پروژه‌ها از دو کشور، با یکدیگر آشنا شده و زمینه برای گسترش روابط فراهم



می‌شود (Zaharna, 2009: 94-95).

مؤلفه لایه سوم: شامل راهبردهای شبکه‌سازی در حوزه سیاست‌گذاری و ائتلاف‌سازی می‌شود.

اینگونه فعالیت‌ها که در جهت کسب نظرات موافق دیگر کشورها در حوزه‌ای خاص به شمار می‌رود به مهارت‌های دیپلماتیک مثل مذاکره، میانجیگری و طرف‌داری نیاز دارد. در این لایه کنشگر نیاز دارد تا سطح بالایی از تعامل با کنشگران دولتی و غیردولتی داشته باشد تا به منظور رسیدن به یک هدف بتواند اجماع نظرات را دریافت کند (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

۳. سیاست خارجی هند در افغانستان

۳-۱. سیاست خارجی هند پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

سرزمین و مردم افغانستان دارای پیشینه طولانی در ارتباط با هند هستند. این کشور به عنوان دروازه‌ای برای ورود به شبه قاره هند منظور شده است. هند با توجه به شرایطی که داشته، حکومت وقت نجیب الله در کابل را حکومتی خوب و مناسب می‌دانسته ولی به دلیل پاره‌ای از مسائل این حکومت بیش از ۴ سال دوام نیاورده و سکان حکومت به دست مجاهدین افغانستان افتاد. آنان نیز به دلیل اختلافات زیادی که در میان داشته به جنگ‌های داخلی پرداخته و سرانجام طالبان با حمایت‌های خارجی مناطق وسیعی از جمله کابل را به تصرف خود درآوردند. (آقاجری و کریمی، ۱۳۹۴: ۷۴) با سقوط حکومت مجاهدین به رهبری برهان‌الدین ربانی و شروع حکومت طالبان در افغانستان، موقعیت هند در این کشور رو به حاشیه رفت، هند نیز برای تقویت جایگاه خود از گروه‌های مخالف طالبان به حمایت پرداخت و به برقراری ارتباط و تجهیز آن‌ها اقدام کرد. هند توان دفاعی اتحاد شمال که متشکل از گروه‌هایی با اقوام مختلف بود را به وسیله تجهیزات جنگی پیشرفته و مشورت‌های نظامی تقویت کرد (Bajoria: 2009). هند در زمینه درمان زخمی‌های اتحاد شمال نیز اقدام به ایجاد یک بیمارستان در مرز افغانستان و تاجیکستان نمود و از پزشکان هندی در این امر کمک گرفت (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۴-۱۳۵). با حادث شدن اتفاقاتی مثل حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان در ۲۰۰۱، فرصت مناسبی برای هند جهت نفوذ دوباره و تاثیرگذاری در این کشور فراهم شد. هند با حمایت و پشتیبانی از آمریکا برای حمله به افغانستان توانست بار دیگر در عرصه افغانستان به عنوان یکی از بازیگران عمده نقش ایفا کند. افرادی که در رأس حکومت افغانستان قرار گرفته بودند از روابط نزدیکی با هند برخوردار بودند چون آن‌ها از اعضای اتحاد شمال محسوب می‌شدند. ژنرال دوستم و دکتر عبدالله



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

عبدالله از جمله این افراد بودند. رییس جمهوری جدید افغانستان-کرزی-هم تحصیلات خود را در دانشگاه هیمچل پرادش هند به پایان رسانده بود. همه این عوامل هند را به سوی افغانستان و کسب موقعیت برتر در این کشور سوق می‌داد (Bajoria, 2009). در این بخش از تحقیق وارد مبحث سیاست خارجی هند در افغانستان پسا طالبان می‌شویم. سپس طبق نظریه چارچوب رابطه‌ای زاهارنا، همگرایی بین دو کشور هند و افغانستان را مورد بررسی قرار می‌دهیم. برای تطبیق نظریه مذکور بر سیاست خارجی هند در افغانستان، سیاست خارجی این کشور را به سه لایه تقسیم کرده و به بررسی جداگانه هر کدام از این لایه‌ها پرداخته شده است به طوری که هر چه روابط دو کشور در هر لایه مثبت باشد، نشان از تحقق ایجاد همگرایی بین دو کشور هند و افغانستان دارد.

۲-۳. سیاست خارجی هند پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

راهبرد کلان هند، جهان را به سه حوزه تقسیم می‌کند. در اولین حوزه، همسایگان نزدیک هند قرار داشته و این کشور در صدد کسب موقعیت هژمونی است تا به وسیله آن بتواند از حضور قدرت‌های دیگر در این منطقه جلوگیری کند. حوزه دوم منطقه وسیع‌تری از همسایگان هند را در برمی‌گیرد که آسیا و کشورهای حاشیه اقیانوس هند را شامل می‌شود. در این محیط موازنه قوا با سایر بازیگران و تأمین منافع ملی، خط مشی هند را شکل می‌دهد. حوزه سوم تمام سطح دنیا را در بر گرفته و هدف هند کسب جایگاه قدرت بزرگ و ایفای نقش کلیدی در صلح و امنیت بین‌المللی است. افغانستان به عنوان نقطه هدف هند در حوزه نخست قرار می‌گیرد لذا این کشور از اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی هند برخوردار است (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۸). افغانستان در محیط پیرامونی هند واسطه‌ای برای مقابله با سایر قدرت‌ها محسوب می‌شود. به علاوه بستری برای نفوذ هند در آسیای مرکزی نیز می‌باشد. در چنین شرایطی هند با درک جایگاه افغانستان در صدد گسترش همکاری با این کشور است. این کشور بدین وسیله قادر خواهد بود که از طریق اتحاد راهبردی با افغانستان الگوی امنیتی هندمحور در منطقه تحت نفوذش را تقویت نماید. از طرفی حضور در افغانستان و سرمایه‌گذاری در این کشور زمینه را برای نفوذ هند در آسیای مرکزی و خاورمیانه از راه زمینی فراهم می‌آورد (سجادی، ۱۳۹۷: ۳۶). نویسندگان عقیده دارند که به طور کلی می‌توان ادعا کرد افغانستان برای هند نقش میان‌بر، یا به نوعی یک پل ارتباطی با خاورمیانه و آسیای مرکزی را ایفا می‌کند و هر چقدر بتواند در این میان‌بر سرمایه‌گذاری کند، چندین برابر آن را از راه تجارت با این مناطق در مدت کوتاهی به دست می‌آورد. همچنین در توازن قدرت بین هند و پاکستان، این افغانستان است که می‌تواند با گرایش به سمت هر کدام از



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

این بازیگران، شرایط را به نفع وی تغییر دهد. هند با علم بر این موضوع تمام تلاش خود را برای جلب اعتماد دولت افغانستان معطوف مینمود.

۱-۲-۳. لایه اول

*دیدار سران کشورها

پس از سرنگونی حکومت طالبان در افغانستان، بلافاصله هند حکومت موقت افغانستان را به رسمیت شناخته و هیأت‌های دیپلماتیک خود را در بخش‌های مختلف این کشور تأسیس کرد. ساتیندر لامبا^۱ فرستاده ویژه هند در افغانستان در نوامبر ۲۰۰۱ از کابل دیدن کرده و دفتر همکاری‌های هند-افغانستان را در کابل تأسیس کرد (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۶). هند در ۲۲ دسامبر همین سال مقرر دیپلماتیک خود را تا سطح سفارتخانه ارتقاء داد و پس از مدتی کنسولگری‌های هند در شهرهای جلال‌آباد، هرات، قندهار و مزارشریف بازگشایی گردید. بلافاصله پس از روی کار آمدن دولت موقت در افغانستان، بازدیدهای متقابل مقامات هند و افغانستان از کشورهای یکدیگر آغاز گردید. در همین راستا حامد کرزی (رییس‌جمهور)، ژنرال دوستم (از رهبران نظامی و جهادی)، یونس قانونی (وزیر کشور)، دکتر عبدالله (وزیر خارجه)، محمد قسیم فهیم (وزیر دفاع) سه ماه پس از تشکیل دولت موقت از هند دیدار کردند. در ملاقات دکتر عبدالله و واجپای نخست‌وزیر هند در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱، طرفین روی مباحثی با محوریت افغانستان بحث و گفتگو داشتند (آقاجری و کریمی، ۱۳۹۴: ۷۹). همچنین طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۱ حامد کرزی که ریاست جمهوری افغانستان را به عهده داشت ۱۳ سفر رسمی به هند داشت که نشان دهنده روابط ویژه بین دهلی نو و کابل بود. وزیر خارجه وقت هند-ناتوار سینگ در ۱۵ فوریه ۲۰۰۵ از کابل دیدن کرد و بخش جراحی بیمارستان ایندیرو گاندی که توسط هند ساخته شده بود را تحویل مقامات افغانستان داد (نجفی، ۱۳۹۵: ۹۹). مانموهان سینگ^۲ نخست‌وزیر هند هم در ۲۸ اگوست ۲۰۰۵ اولین سفر رسمی خود را به افغانستان داشت و طی آن موافقت‌نامه‌های همکاری در عرصه‌های بهداشتی، کشاورزی و آموزش و پرورش به امضای مقامات ارشد دو کشور رسید. در دوم آوریل ۲۰۱۱ مانموهان سینگ نخست‌وزیر وقت هند دومین سفر خود به کابل را انجام داد و طی سخنرانی در پارلمان افغانستان بر دوستی و روابط تاریخی دو کشور تأکید کرد. وی همچنین قول کمک ۵۰۰ میلیون دلاری دیگری را به افغانستان داد. سفرهای یازدهم تا سیزدهم کرزی به هند طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۱ رخ داد که نتایج مثبتی برای طرفین داشت. از جمله این نتایج امضای سند



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)

همکاری‌های استراتژیک و همکاری‌های دفاعی و تجهیز نیروهای نظامی افغانستان، بین کابل-دهلی بود(سجادی، ۱۳۹۷: ۵۵). دیدارهای سران دو کشور و دفعات سفرهای این مقامات، نشانگر اوج رابطه دوستانه بین دو کشور بود که در نهایت می‌توانست منجر به همگرایی بین دو کشور شود.

*برنامه‌های مبادله آموزشی (تبادله استاد-دانشجو)

آموزش در سطوح عالی یکی از بخش‌هایی است که در آن هند سرمایه‌گذاری بزرگی برای افغانستان انجام داد. این کشور سالانه تعداد زیادی بورسیه‌های تحصیلی را تحت عنوان ICCR و ITEC برای دانشجویان افغانستان اختصاص می‌دهد. هند به عنوان کشوری نامدار در عرصه آموزش و تحصیلات عالی از یک طرف و هزینه پایین برای زندگی از طرف دیگر، مقصد تحصیلی اکثر جوانان و محصلان افغانستانی است. صدیق سحر، مسئول تحصیلی سفارت افغانستان در هند-دهلی نو با اذعان به اینکه هر سال بر تعداد متقاضیان تحصیل در هند افزوده می‌شود اعلام کرد که در سال ۲۰۱۲ تعداد ۷۰۰۰ دانشجوی افغانستانی در هند مشغول به تحصیل بوده‌اند (روزنامه هشت صبح، ۱۳۹۹). طاهر قادری سرپرست سفارت افغانستان در دهلی نو پایتخت هند طی مصاحبه ای اعلام کرد که بر طبق توافق با دولت هند قرار شده تعداد بورسیه‌های تحصیلی هند برای افغانستان از ۱۰۰۰ سهمیه در سال به ۲۵۰۰ سهمیه در سال افزایش پیدا کند (روزنامه اطلاعات روز، ۱۳۹۹). به طور کلی، هند یکی از مقاصد اصلی دانشجویان افغانستانی برای تحصیل به شمار می‌رود. بورسیه‌های رایگان این کشور برای این دانشجویان و اشتراک در برخی فرهنگ‌های منطقه‌ای باعث این علاقه‌مندی شده است. از طرف دیگر سطح بالای دانشگاه‌های هندی نیز باعث شده تا دانشجویان افغانستانی به تحصیل در این کشور مشتاق باشند. البته به قدرت رسیدن مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱ به طور کلی بر جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشور از جمله مسایل آموزشی، تحصیل بانوان و روابط خارجی تاثیر گذاشته که بررسی آن مجال دیگری را می‌طلبد.

۲-۲-۳. لایه دوم

*کمک‌های توسعه‌ای

کشور هند یکی از همسایگان افغانستان است که پس از تشکیل حکومت رسمی در افغانستان آمادگی خود را برای ارائه کمک‌های همه جانبه به این کشور اعلام داشت و عنوان پنجمین کشور کمک کننده به افغانستان را به خود اختصاص داد. (Bibi: 2018) این کشور در کنار تأمین مایحتاج افغانستان بیشتر تلاش خود را در زمینه خودکفایی افغانستان انجام می‌داد. بخش اعظم



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱).

این کمک‌ها مربوط به پروژه‌های توسعه‌ای و بازسازی افغانستان بود. این کمک‌ها در بخش‌هایی نظیر؛ پروژه‌های عمرانی شهری و غیر شهری، تجهیز و حمایت از پروژه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و کمک برای تأسیس کارخانجات بود. در ذیل به برخی از این فعالیت‌ها اشاره می‌شود.

یکی از فعالیت‌های عمده و حیاتی هند در افغانستان ساخت سد برای نگهداری، آبیاری و تولید برق در افغانستان است. تعداد ۳ سد بزرگ توسط هند در افغانستان ساخته شده یا در حال ساخت است که سدهای سلما در هرات، سد کمال خان در نیمروز و سد شاه توت در کابل از جمله این سدها می‌باشند. هرکدام از این سدها قابلیت‌های مختلفی داشته و علاوه بر تأمین نیازهای آشامیدنی و آبیاری در زمینه تولید برق نیز مؤثر واقع می‌شوند چرا که افغانستان از مشکل نبود و یا کمبود برق رنج می‌برد و بخش زیادی از برق مورد نیاز خود را از کشورهای همسایه تأمین می‌کند. طبق گزارشات در صورت بهره برداری کامل از این سدها نه تنها مشکل برق در اکثر نقاط کشور حل می‌شود بلکه افغانستان می‌تواند به نقاط مجاور منطقه‌ای که سد تأسیس شده برق انتقال دهد. برای مثال سد شاه توت توان ذخیره سازی ۱۴۷ میلیون متر مکعب آب را داشته و می‌تواند برای دو میلیون نفر از شهروندان کابل آب آشامیدنی و بهداشتی تهیه کند. علاوه بر آن حدود ۴۰۰ هکتار زمین کشاورزی بوسیله این سد آبیاری خواهد شد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵). سد کمال خان نیز توانایی ذخیره ۵۲ میلیون متر مکعب آب را داشته و می‌تواند ۸۰۰ هزار هکتار زمین را آبیاری کند. در زمینه تولید برق نیز این سد توانایی تولید ۹ مگاوات برق را خواهد داشت (خبرگزاری شفقنا ۱۳۹۶). باید گفت افغانستان کشوری است که در یک موقعیت استراتژیک به عنوان یک شاهراه حیاتی قرار گرفته است و می‌تواند نقطه اتصالی بین چین و هند و اتصال این نقاط به دیگر نقاط جهان از جمله آسیای مرکزی باشد. در این رابطه و با توجه به اهمیت این موضوع هند بخش دیگری از کمک‌های خود به افغانستان در بخش بازسازی را به جاده سازی در این کشور اختصاص داده است. باید گفت نبود مرز زمینی مشترک بین دو کشور و محدودیت‌هایی که پاکستان برای صادرات هند به افغانستان از طریق خاک خود ایجاد کرده است از دلایل اصلی تصمیم هند به ساخت این بزرگراه است.

بزرگراه زرنج-دلارام یکی از پروژه‌های جاده سازی هند در افغانستان است. این پروژه با سرمایه‌گذاری حدود ۸۵ میلیون دلار و طول ۲۱۸ کیلومتر در غرب افغانستان ساخته شده است و زرنج در ولایت زابل افغانستان را به دلارام در ولایت فراه متصل کرده و از طریق سیستان و بلوچستان در ایران به بندر چابهار متصل می‌گردد (Ganguly, 2012:4). این بزرگراه باعث شده تا مسیر چابهار به آسیای میانه ۱۵۰۰ کیلومتر نزدیکتر شود (نیاکویی و بهرامی مقدم،



۱۳۹۳: ۱۳۹ (درباره بندر چابهار هم می‌توان گفت هند سرمایه‌گذاری زیادی روی توسعه بندر چابهار انجام داده است زیرا این بندر هند را به بازارهای اوراسیا وصل می‌کند (Drishti.com, 2019)). با احداث و راه‌اندازی بزرگراه زرنج-دلارام این امکان در کشور افغانستان به وجود آمد که کالاها از شهرهای اصلی افغانستان و از طریق زمینی به سمت مرزهای ایران ارسال و از آنجا به چابهار و برعکس منتقل شوند. این بزرگراه، افغانستان محصور در خشکی را به شاه‌رگ حیاتی ارزشمندی تبدیل کرده است. در گذشته راه دستیابی افغانستان به دریا از طریق پاکستان و از مسیر پیشاور به سمت بندر کراچی بود که عبور از این جاده از مسیر پاکستان مشکلاتی را برای افغانستان ایجاد می‌کرد. پاکستان اغلب ارسال کالاهایی که برای بازسازی افغانستان ارسال شده بود را به تأخیر می‌انداخت. اما اکنون بزرگراه زرنج-دلارام گزینه جدید و مناسبی برای افغانستان محسوب می‌شود (دهقان و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۹). کشور هند از طریق این جاده می‌تواند محصولات و کالاهای خود را به افغانستان رسانده و در آنجا به فروش برساند. همچنین هند می‌تواند از طریق این جاده به کشورهای آسیای مرکزی متصل شده و با به دست‌گیری بازارهای پر تقاضای این کشورها بخشی از محصولات خود را در این منطقه بفروشد و متقابلاً انرژی مورد نیاز خود (گاز و اورانیوم) را از این منطقه تأمین کند.



نقشه شماره ۱: مسیر ترانزیت هند به آسیای مرکزی

در راستای بازسازی مکان‌های مهم و تاریخی و ساخت مدارس و دانشگاه‌ها در افغانستان، کشور هند نقش مهمی ایفا نمود. ساختمان جدید پارلمان افغانستان در شهر کابل با کمک مالی هند، به هزینه بالغ بر حدود ۲۵۰ میلیون دلار ساخته شد (سجادی، ۱۳۹۷: ۵۸). دیگر اقدامات و فعالیت‌های هند در عرصه سیاست خارجی در افغانستان را می‌توان تیتروار به شکل ذیل عنوان کرد:



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)،

- اهداء سه هواپیمای ایرباس به شرکت هواپیمایی افغانستان و آموزش پرسنل و ارائه پشتیبانی و تعمیر و نگهداری هواپیما
- اهداء ۲۷۴ اتوبوس به سرویس حمل و نقل عمومی، ۱۰۱ وسیله نقلیه کاربردی (حمل زباله، آب پاش، آبرسان و بولدوزر) برای شهرداری کابل و ۳۰۰ وسیله نقلیه برای ارتش افغانستان
- ساخت سردخانه ۵۰۰۰ تنی در قندهار
- تحویل بیسکویت‌های غنی شده با پروتئین جهت تغذیه کودکان افغانستانی
- تأمین ۶۹ تن دارو و وسایل پزشکی برای ولایات کابل، مزار شریف، شبرغان و هرات و قندهار
- تجهیز بیمارستان ایندیرا گاندی در کابل
- تأسیس چاپخانه پیشرفته در کابل و ساخت ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی
- اعزام ۵ کارشناس ارشد بانکداری برای بازسازی ساختار بانک ملی افغانستان
- تأمین ۱۰۰۰ دستگاه چرخ خیاطی برای توانمندسازی زنان روستایی (6-Price,2013:5-).



۱۱۲

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

به طور کلی، هند از جمله همسایگان افغانستان است که طی سالیان حکومت جمهوری در افغانستان، برای رشد و توسعه افغانستان فعالیت‌های مهمی را انجام داد. همانطور که مطالعه شد، اقدامات هند در امور آموزشی و بازسازی در افغانستان چشمگیر بوده و این کشور در بسیاری از پروژه‌های حیاتی و مهم مثل جاده سازی، سدسازی، بازسازی اماکن مهم و حیاتی و انتقال برق، کمک‌های بلا عوضی را در اختیار افغانستان گذاشت و مردم افغانستان نیز نسبت به دولت و مردم هند احساس مودت و دوستی دارند. به جرأت می‌توان گفت هند یکی از بازیگرانی بود که نقش عمده‌ای در بازسازی افغانستان ایفا نمود. در لایه دوم نیز مشاهده میشود که ما شاهد افزایش روابط و همکاری دو کشور هستیم.

۳-۲-۳. لایه سوم

* نقش هند در عضویت افغانستان در سارک

یکی از اصلی‌ترین بسترهای شکل‌گیری سازمان همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا (سارک) تجربه مشترک کشورهای این منطقه در مورد استعمار و حضور نیروهای بیگانه است (وٹوقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۹). ایده اصلی تشکیل سازمان همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا توسط ضیاء الرحمن رییس‌جمهور وقت بنگلادش در دهه ۸۰ میلادی ارائه گردید (وٹوقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

پیشنهاد عضویت افغانستان در سارک در سال ۲۰۰۵ توسط هند مطرح شد و در نهایت افغانستان در چهاردهمین اجلاس سران سارک در سال ۲۰۰۷ به عضویت رسمی این سازمان درآمد (موسی زاده، ۱۳۸۷: ۳۲۸). باید توجه داشت که افغانستان جدای از همکاری‌های اقتصادی و تجاری با مسائل امنیتی مواجه است. تروریسم، فقر و بیسوادی در کشورهای عضو سارک مشهود است اما این مسایل در افغانستان برجسته‌تر می‌باشد. زمینه‌های فقر و بی سوادی در افغانستان باعث شده تا تروریسم از این کشور به دیگر نقاط از جمله هند گسترش پیدا کند بنابراین همکاری‌ها از طریق اتحادیه سارک ضروری می‌نماید. با عضویت افغانستان در سارک، هند خواهان سهم فعالانه‌تری برای هر دو کشور در سیاست‌های منطقه‌ای بود. به ویژه اینکه دو کشور در این اتحادیه در بسیاری از موضوعات منطقه‌ای و بین المللی مواضع مشترک داشتند. حوزه‌های مهم همکاری شامل مبارزه با تروریسم، همکاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای و آموزش‌های فنی بود که برای هر دو کشور مهم و حیاتی به نظر میرسید.

۴. نقش افغانستان در تأمین منافع هند

هند به طور کلی می‌تواند از طریق افغانستان به مجموعه‌ای از اهداف سیاسی و اقتصادی نیل پیدا کند. در این بخش از تحقیق به نقش افغانستان در تأمین منافع هند پرداخته می‌شود. هند با توجه به منافع ملی خود (اقتصادی و سیاسی) و نقش افغانستان در تأمین این منافع، وارد بازی افغانستان شد تا بتواند با جلب اعتماد طرف افغانستانی خود را به اهداف خود نزدیک کند. از جمله اهداف سیاسی که هند در قالب منافع ملی خود در افغانستان گنجانده است، گسترش عمق استراتژیک خود به آسیای مرکزی و فرار از محاصره توسط پاکستان است. اهداف اقتصادی هم استفاده از بازار آسیای میانه و تأمین انرژی مورد نیاز هند است. در ذیل به این اهداف پرداخته می‌شود.

۴-۱. اهداف سیاسی-امنیتی

- محاصره سیاسی پاکستان: یکی از اصول اساسی در سیاست خارجی هند، اصل محاصره سیاسی است که از مکتب کاتیلیا سر چشمه می‌گیرد. مکتب کاتیلیا معتقد است همسایگان به عنوان دشمن مفروض می‌شوند و دشمن مستقیم همسایه به عنوان دوست تلقی می‌شود. پاکستان از بدو استقلال به عنوان دشمن و رقیب استراتژیک هند در منطقه محسوب شده و روابط نه چندان دوستانه افغانستان با پاکستان در نیز باعث می‌شود که طبق اصل کاتیلیا از دوستان هند به حساب آید. ورود هند به منطقه آسیای مرکزی عمق استراتژیک این کشور را تا آسیای مرکزی گسترش داده و از محاصره‌اش توسط ائتلاف چین-پاکستان جلوگیری می‌کند. همچنین هند می‌تواند از طریق



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

پایگاه‌های نظامی‌اش در آسیای میانه یعنی کشورهای ازبکستان و تاجیکستان، به هرگونه تهدید امنیتی در مرزهای بی ثبات افغانستان و پاکستان واکنش دهد و پاکستان را از دو طرف افغانستان و آسیای مرکزی در شمال غرب و مرزهای شرقی پاکستان با هند در شرق، تحت فشار قرار دهد. همچنین این پایگاه یک قابلیت بسیار مهم برای وارد کردن نیروهای ویژه به داخل صحنه جنگ با دشمن در زمانی که یک حالت اضطراری به وجود آید به هند می‌دهد به طوریکه در زمان درگیری، هند می‌تواند از پشت به پاکستان حمله کند (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۲-۱۲۹). در واقع افغانستان وزنه سنگینی در موازنه قوای بین هند و پاکستان محسوب می‌شود و نفوذ بیشتر هر یک از این بازیگران در افغانستان منجر به افزایش عمق استراتژیک و در نتیجه غلبه بر حریف می‌شود.

- تحدید نفوذ پاکستان: حادثه ۱۱ سپتامبر و تحولات افغانستان بهترین فرصت را برای هند به وجود آورد تا بتواند پاکستان را هرچه بیشتر در انزوا قرار بدهد. یکی از اهداف اساسی هند از اعمال سیاست خارجی‌اش در افغانستان این بوده که با مهار پاکستان از حضور نیروهای پاکستانی در افغانستان بکاهد و مانع از شکل‌گیری یک دولت رادیکال در افغانستان شود (موسوی شفایی و اسکندری، ۱۳۹۵: ۱۱۴) و به نوعی افراط‌گرایی اسلامی را در افغانستان کاهش دهد. پاکستان با آموزش و حمایت نیروهای بنیادگرا در افغانستان از آن‌ها برای عملیات علیه هند در کشمیر استفاده می‌کند. بسیاری از جنگجویان کشمیری از مجاهدین افغانستان در زمان جنگ با شوروی الهام گرفته و با هند می‌جنگند (سجادی، ۱۳۹۷: ۳۷). پاکستان به عنوان کشوری بی‌ثبات محیطی امن برای رشد این پدیده و تروریسم بوده است. در این میان وجود مدارس مذهبی افراطی در پاکستان نیز بی‌تأثیر نبوده است. بر اساس آمار تعداد مدارس مذهبی افراطی پاکستان بیش از ۱۲۱۵۳ باب مدرسه در سراسر کشور با بیش از ۲۵۲/۵۴۹/۱ دانش‌آموز مشغول به تحصیل می‌باشد (صراف یزدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۱). شواهد نشان داده بسیاری از تروریستانی که در افغانستان هستند، در پاکستان آموزش دیده و به واسطه پاکستان، تمویل و تجهیز می‌شوند. بر اساس گفته‌های مقامات افغانستانی، حتی تعداد زیادی از این تروریستان تبعه پاکستان هستند. همانطور که در متن پیشین گفته شد برخی از جنگجویان کشمیری از افراد طالبان در افغانستان الگوبرداری کرده و به خرابکاری در کشمیر تحت کنترل هند می‌پردازند که این موضوع حساسیت زیادی برای هند دارد.

-مقابله با تروریسم: هند همواره نگران گسترش تروریسم در منطقه تحت تسلط خود بوده است و پاکستان را منشأ این تروریسم معرفی کرده است (احمدی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). به عقیده نگارنده ترس هند از نفوذ افراط‌گرایی اسلامی



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

از افغانستان به کشمیر یکی از عواملی است که باعث شده تا هند سیاست خارجی فعالی را در تقابل با پاکستان در افغانستان در پیش بگیرد چرا که طبق گزارشات، هند بعد از افغانستان و عراق سومین کشور قربانی تروریسم در جهان است (ایرنا، ۱۳۹۷/۷/۱). برای مثال در سال ۱۹۹۶ با انفجار قطار مسافربری ۳۳ نفر کشته شدند. در سال ۱۹۹۸ در شهر کویمباتور هند ۱۲ بمب منفجر شد و ۵۸ کشته بر جای گذاشت. در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ به پارلمان هند حمله شد. در سال ۲۰۰۳ نیز بر اثر انفجار بمبی مقابل هتل تاج محل هند بیش از ۵۰ نفر کشته شدند. در جولای ۲۰۰۶ هفت بمب در قطار برون شهری منفجر شده و باعث کشته شدن ۲۰۰ نفر و زخمی شدن بیش از ۷۰۰ نفر شد (جعفری و توحیدی، ۱۳۹۷: ۳۰). بنابراین طی سال های گذشته، هند تمام تلاش خود را برای تبدیل شدن دوباره افغانستان به پناهگاه گروه‌های تروریستی به کار گرفته است (Krishnan M: 2019).

۲-۴. اهداف اقتصادی

-تأمین انرژی: این کشور با رشد مستمر اقتصادی سه دهه اخیر خود به یک قدرت نوظهور تشنه انرژی و خواهان گسترش حوزه نفوذ در محیط پیرامونی خویش به ویژه در آسیای مرکزی تبدیل شد. هند به عنوان یک قدرت آسیایی با درک اهمیت تعامل در سیاست خارجی و ادغام در اقتصاد سیاسی جهانی از یک سو و نیاز روزافزون آن به تأمین انرژی، مواد اولیه بازار، صدور کالا، خدمات و نیروی کار در چارچوب یک «سیاست راهبردی معقول ملی» مبتنی بر اصل متنوع‌سازی منابع انرژی، توجه به ظرفیت‌های بکر آسیای مرکزی، پیوند و ارتباطات عمیق با مناطق مذکور را در دستور خویش قرار داده است. ذخایر قابل توجه نفت و گاز و برخی مواد معدنی غیر نفتی از جمله اورانیوم، و رقابت اقتصادی با چین از عمده دلایل مهمی است که بر سیاست‌های دهلی‌نو در حوزه آسیای مرکزی تأثیر گذاشته است (میبدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷-۲). این کشور سالیانه مقادیر زیادی سنگ اورانیوم از قزاقستان وارد می‌کند (Menon & Rajiv: 2019). شرکت‌های نفتی هند برای نخستین بار در مجاورت قزاقستان در دریای خزر در طرح‌های اکتشاف و استخراج نفت سرمایه‌گذاری کرده‌اند و با توجه به اینکه ترکمنستان چهارمین دارنده ذخایر گاز جهان است (www.emerald.com: 2017) دهلی‌نو سعی کرده است از این فرصت برای تأمین انرژی گازی استفاده کند بطوریکه در سال ۲۰۱۳ پس از ژاپن، کره جنوبی و چین، هند چهارمین واردکننده گاز شناخته شده است (Wallace:2014). همچنین این کشور سومین مصرف‌کننده ذغال سنگ در جهان به شمار می‌رود. (Sachdeva,2010: 125) در زیر جدول تولید و

مصرف نفت هند به نمایش گذاشته شده است:



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)،

جدول ۲: میزان تولید و مصرف نفت هند از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵

سال	تولید (هزار بشکه در روز)	مصرف (هزار بشکه در روز)
۱۹۹۰	۶۶۰.۰۰۰	۱.۱۶۸.۰۰۰
۱۹۹۵	۷۰۳.۰۰۰	۱.۶۵۵.۰۰۰
۲۰۰۰	۶۴۶.۰۰۰	۲.۱۴۷.۰۰۰
۲۰۰۵	۶۶۵.۰۰۰	۲.۵۵۰.۰۰۰
۲۰۱۰	۷۵۱.۰۰۰	۳.۳۰۵.۰۰۰
۲۰۱۵	۷۶۱.۰۰۰	۳.۶۶۰.۰۰۰

(ظهیری نژاد، ۱۳۹۷: ۹۷)

- تجارت: میزان تجارت هند با کشورهای آسیای مرکزی در ابتدای شروع ارتباطات، میزان ناچیز ۵۰۰ میلیون دلار بوده است اما از زمان به قدرت رسیدن نرندرا مودی در هند (۲۰۱۴)، این مقدار رو به افزایش گذاشته است. به طوری که می‌توان عنوان کرد تبدلات تجاری بین طرفین به مقدار ۵۰۲۵،۷۹ میلیون دلار در ۲۰۱۷ رسید (مبیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶). برای باز کردن موضوع و فهم بهتر، مناسبات هند با ۴ کشور آسیای مرکزی (تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان) را بررسی می‌کنیم:

قزاقستان: این کشور بزرگترین شریک تجاری و محل سرمایه‌گذاری هند در آسیای مرکزی است و حجم مبادلات تجاری آن‌ها در سال ۲۰۱۸ فقط ۱/۲ میلیارد دلار بوده است. حجم صادرات قزاقستان مقدار ۹۵۴،۰۸ میلیون دلار و حجم صادرات هند نیز ۷۸/۲۴۲ میلیون دلار بوده است. مناسبات دو کشور در زمینه‌های تجاری، فرهنگی و نظامی افزایش داشته است. باید گفت هند بیشتر از صادرات به قزاقستان، از این کشور واردات انرژی داشته است به طوری که در ۲۰۱۶ هند هزار تن اورانیوم از قزاقستان وارد کرد. (Embassy of India, Nur-Sultan:2018)

قرقیزستان: مبادلات تجاری بین دو کشور در ۲۰۱۶ مقدار ۲۸ میلیون دلار بوده که میزان صادرات هند ۲۷ میلیون دلار و صادرات قرقیزستان فقط ۱ میلیون دلار بوده است. دو کشور طی تفاهمی خواهان گسترش روابط دو جانبه و همکاری



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

در بخش‌های مختلف بوده‌اند. در راستای گسترش روابط، در سفر نرنندرا مودی نخست وزیر هند به قرقیزستان در سال ۲۰۱۹م انجمن تجاری هند-قرقیزستان پایه گذاری شده و مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار برای حمایت از برنامه‌های توسعه‌ای در این کشور از طرف هند منظور گردید. همچنین طرفین معاهده منع مالیات مضاعف را که به عنوان سدی در برابر تجارت دو کشور عمل می‌کرد امضا کردند (Gupta,2020: 26).

تاجیکستان: سران دو کشور طی بازدیدهایی که از کشورهای یکدیگر داشتند، تفاهم نامه‌های همکاری و استراتژیک را امضا کردند. صادرات اصلی هند دارو، پوشاک، لوازم جانبی، صنایع دستی، ماشین‌آلات و گوشت و فرآورده‌های گوشتی و صادرات تاجیکستان به هند شامل؛ آلومینیوم، مواد شیمیایی آلی، روغن گیاهی، خشکبار و پنبه بوده است. حجم تجارت دو کشور نوسانات زیادی را پشت سر گذاشته است به طوری که با شروع تجارت گسترده بین طرفین در سال ۲۰۰۵م میزان صادرات هند به تاجیکستان مقدار ۱۲/۱۳ میلیون دلار بوده است و در سال ۲۰۱۴م این مقدار به اوج خود یعنی مقدار ۵۵/۱۳ میلیون دلار رسیده ولی بعد از این روند نزولی داشته به طوری که در سال ۲۰۱۹م به مقدار ۱۴/۲۰ میلیون دلار رسیده است (Embassy of India, Dushanbe: 2020).

ترکمنستان: علاوه بر مشارکت دو کشور هند و ترکمنستان در پروژه تاپی، میزان صادرات هند به این کشور مقدار ۷۳/۲۹ میلیون دلار بوده است و واردات آن هم به ۴۶،۰۹ میلیون دلار می‌رسیده است. اقلام صادراتی هند به ترکمنستان شامل؛ دارو، ماشین‌آلات و تجهیزات فنی، گوشت و محصولات گوشتی، کالاهای پلاستیکی، منسوجات، کالاهای چرمی و ... بوده است. وجود ذخایر عظیم و مهم هیدروکربن در ترکمنستان و نیاز هند به این ماده می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای توسعه بیشتر این همکاری‌ها باشد (What Is India, Com:2007).

نویسندگان معتقدند، هند برای رسیدن به اهداف متصور خود در آسیای مرکزی هنوز راه طولانی دارد و ضرورت برنامه‌ریزی برای افزایش بازیگری در این منطقه نمایان می‌باشد. میزان ناچیز و اندک مبادلات تجاری بین هند و کشورهای مذکور نیز مهر تأییدی است بر این مدعا. همچنین حضور بازیگر قدرتمندی مثل چین در این منطقه کار هند را با چالش مواجه کرده است و هند برای رسیدن به اهداف خود پیش از هر چیز دیگری باید در تقابل با چین، راه حل اصولی و پر بازده داشته باشد.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)،

نتیجه‌گیری

هند از ابتدای ورود به افغانستان، همکاری و مشارکت را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داد و در زمینه‌های گوناگون اقدام به توسعه و بازسازی افغانستان کرده است و در این راه حدود ۳ میلیارد دلار را به مصرف رساند و به این ترتیب در صدر لیست کشورهای کمک‌کننده به افغانستان قرار گرفت. حوادث و تحولات ۱۱ سپتامبر در ۲۰۰۱ فرصت مناسبی برای هند فراهم کرد تا از این تحولات به نفع خود استفاده کند. ورود هند به عرصه افغانستان علاوه بر کمک به این کشور برای توسعه و بازسازی، شامل اهداف و مقاصد سیاسی و اقتصادی نیز بود. افغانستان سال‌ها به عنوان پناهگاه امنی برای تروریست‌ها شناخته شده بود و حمایت‌های پاکستان از تروریست‌ها نیز نگرانی هند را دو چندان کرده بود. هند از جمله کشورهایی است که برای سال‌های متمادی قربانی تروریسم بوده و بحران کشمیر و وجود افغانستان ناامن نیز بر این مشکلات افزوده بود. تشکیل حکومت رسمی در افغانستان در ۲۰۰۱ این فرصت را برای هند به ارمغان آورد تا با حمایت دولت مرکزی افغانستان نه تنها با تروریسم مقابله کند، بلکه از حضور و نفوذ پاکستان در افغانستان نیز بکاهد. با توجه به تحولاتی که طی سال‌های گذشته در اصول سیاست خارجی هند رخ داده می‌توان ادعا کرد که این کشور از عدم تعهد و جهان‌سوم‌گرایی به سمت عمل‌گرایی اقتصادی حرکت کرده است. گرایش به صنعتی شدن و نیازهای داخلی، هند را به یکی از واردکنندگان و مصرف‌کنندگان بزرگ و عمده انرژی در دنیا تبدیل کرده طوری که این کشور جایگاه چهارم را در این عرصه کسب کرده است. بنابراین هند برای تأمین انرژی مورد نیاز خود به شرکای جدیدی نیاز دارد که در منطقه آسیای مرکزی واقع شده‌اند. این کشورها علاوه بر تأمین انرژی مورد نیاز هند (گاز-نفت و اورانیوم) بازارهای بکری دارند که کالاهای هندی می‌تواند این بازارها را در اختیار خود بگیرد. هند علاوه بر مسائل اقتصادی، مجموعه‌ای از منافع سیاسی را نیز در آسیای مرکزی دنبال می‌کند. حضور و گسترش نقش هند در این منطقه باعث می‌شود که عمق استراتژیک خود را تا آسیای میانه گسترش داده و از حلقه تنگ محاصره پاکستان خارج شود. به علاوه موقعیت جغرافیایی و استراتژیک منطقه مذکور این امکان را به هند می‌دهد تا حتی بتواند به مهار و محاصره پاکستان بپردازد به طوری که از شمال غرب و شرق، پاکستان زیر ذره بین هند قرار می‌گیرد و هرگونه تحرک تهدیدآمیز توسط پاکستان با واکنش سریع هند مواجه می‌شود. موقعیت استراتژیک افغانستان که به عنوان قلب آسیا شناخته می‌شود این امکان را به هند می‌دهد تا به این اهداف نیل پیدا کند. افغانستان به مثابه پلی ارتباطی بین هند و آسیای مرکزی عمل می‌کند به نحوی که هند می‌تواند کالاهای خود را از طریق افغانستان و به صورت زمینی به این منطقه صادر کرده و متقابلاً موارد مورد نیاز خود را از



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)

همین مسیر تأمین کند.

هند برای رسیدن به این اهداف راه درازی در پیش دارد. به علاوه وجود برخی مشکلات و محدودیت‌ها باعث می‌شود تا حرکت هند کند شود. یکی از این مشکلات وجود مشکلات عدیده امنیتی پیرامون هند است. همانطور که گفته شد هند در همسایگی دو کشور ناامن و بی ثبات پاکستان و افغانستان قرار دارد و به علاوه بحران کشمیر سالهاست به عنوان یک بحران حاد گریبان گیر هند است. ایران نیز به عنوان یکی از همسایگان افغانستان و پاکستان که کیلومترها مرز مشترک با این دو کشور دارد شاهد چنین مشکلاتی بوده است. ایران و هند می‌توانند با همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی و همچنین کمک در امر بازسازی افغانستان و حمایت از دولت مرکزی در این کشور از این مشکلات بکاهند و به صورت مشترک از منافع این امر سود ببرند. وجود رقیبی مثل چین نیز باعث شده تا هند در آسیای مرکزی با یک رقیب قدرتمند روبرو باشد. باید این نکته را نیز مد نظر داشت که چین برخلاف هند دارای مرز مشترک زمینی با کشورهای آسیای مرکزی بوده و همچنین حجم مبادلات تجاری این کشور با کشورهای آسیای مرکزی چندین برابر هند است. بنابراین وجود یک برنامه منسجم میان تمامی ادارات هندی برای فائق آمدن بر این مسأله ضروری می‌نماید. استفاده از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، می‌تواند یکی از راه حل‌های این مشکل باشد. کشور هند می‌تواند با سرمایه گذاری‌های عظیم در این منطقه و همچنین تبادل دانشجو و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی به نوعی افکار عمومی در منطقه هدف را به سمت خود متمایل سازد و از این راه برای رسیدن به مقاصد خود استفاده کند.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)،

منابع

آقاجری، محمدجواد و کریمی، مرتضی (۱۳۹۴). نقش بازیگران منطقه‌ای در فرایند دولت سازی افغانستان در دوران طالبان و پساتالبان. پژوهشنامه روابط بین الملل، شماره سی ام، تابستان، صص ۱۰۴-۵۷.

بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳). دگرگونی سیاست خارجی هند: از جهان سوم گرایی به عمل گرایی اقتصادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۹۶-۱۶۱.

پوراحمدی میبدی، حسین و قوام، عبدالعلی و خانی جوی آبادی، محمود (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی سیاست خارجی هند و راهبردهای پیوند و ارتباط آن با آسیای مرکزی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۸، تابستان، صص ۱-۳۲.

جمالزاده، ناصر (۱۳۹۲). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

دادگران، سید محمد (۱۳۹۴). مبانی ارتباطات جمعی، تهران: انتشارات فیروزه.

دهقان، یدالله و یزدانی، عنایت الله و کاظمی، مهدی (۱۳۹۷). بررسی نقش و جایگاه افغانستان در روابط استراتژیک ایران و هند، دو فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دهم، شماره ۳۴، بهار و تابستان، صص ۱۶۶-۱۴۷.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵). اصول و مبانی روابط بین الملل ۲، تهران: انتشارات سمت.

سبحانی، مهدی، (۱۳۸۹). رفتارشناسی رویکردهای جدید در سیاست خارجی هند، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره سوم، پاییز، صص ۶۷۶-۶۵۵.

سجادی، اکبر (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی سیاست خارجی هند و پاکستان در افغانستان از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۶. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

سیمبر، رضا و بهرامی مقدم، سجاد و زیبایی، مهدی (۱۳۹۴). سیاست خارجی هند، رشت: اداره چاپ و انتشارات دانشگاه گیلان.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱).

شفیعی، اسماعیل و عیدوزایی، نعیم (۱۳۹۲). نقش حمایت خارجی در احیای طالبان در افغانستان، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز، صص ۱۲۶-۹۱.

شفیعی، نوذر و فرجی نصیری، شهریار و متقی، افشین (۱۳۹۱). رویکرد هند در قبال افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با نگاه به ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۵۲-۱۲۵.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن، و حامد نوری (۱۳۹۶). دیپلماسی عمومی (جلد ۱)، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.

صراف‌یزدی، غلامرضا و نجاتی، جواد و صبری، محسن (۱۳۹۰). ساختار قدرت در پاکستان و علل ناپایداری سیاسی آن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره شانزدهم، پاییز، صص ۹۰-۶۳.

ظهیری نژاد، مهناز (۱۳۹۷). تحول در سیاست خارجی هند، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کول، کریس (۱۳۷۶). کلید طلایی ارتباطات، ترجمه محمدرضا آل یاسین، تهران: انتشارات هامون.

کولایی، الهه و واعظی، طیبه (۱۳۹۱). تحول در سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره اول، بهار، صص ۲۷۴-۲۴۷.

کهرازه، یاسر (۱۳۹۹). دیپلماسی اقتصادی و مناسبات استراتژیک توسعه‌ای؛ نمونه هند، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، بهار، صص ۶۲-۳۳.

مجتهدزاده، پیروز و احمدی‌پور، زهرا و حسین‌پور پویان، رضا (۱۳۸۹). بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی روابط در شبه قاره هند، دو فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، شماره پنجم، زمستان، صص ۷۸-۵۵.

محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم (۱۳۹۷). امکان سنجی همگرایی ایران-پاکستان با تأکید بر گزینه رقیب هند، دو فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دهم، شماره ۳۴، بهار و تابستان، صص ۲۷۶-۲۵۵.

موسوی شفایی، مسعود و اسکندری، سعیده (۱۳۹۵). راهبرد موازنه‌گرایی هند

در تعامل با ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیستم، تابستان، صص ۹۷-۱۲۱.

موسی زاده، رضا (۱۳۸۷). سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نشر میزان.

نجفی، جعفرحسین (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه سیاست خارجی هند و پاکستان در قبال افغانستان (۲۰۱۴-۲۰۰۱)، پایان‌نامه لیسانس، دانشگاه غرjestان، کابل، افغانستان.

نورمحمدی، مرتضی و فصیحی دولت‌شاهی، محمدعارف (۱۳۹۷). کاربست نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای در تحلیل مسائل و الگوهای روابط در جنوب آسیا، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره دهم، شماره دوم، زمستان، صص ۱۵۳-۱۸۹.

نیاکویی، سیدامیر و بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳) روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره اول، بهار، صص ۱۶۰-۱۲۳.

وثوقی، سعید و فلاحی، احسان و حیدری، قربانعلی (۱۳۹۳). تبیین جایگاه افغانستان به عنوان کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای با تأکید بر منطقه آسیای جنوبی و نقش هندوستان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۷، پاییز، صص ۱۷۷-۱۴۹.

یزدان فام، محمود (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره چهلهم، بهار، صص ۲۷۶-۲۴۷.

خبرگزاری ایرنا. ۱۳۹۷. هند سومین کشور آسیب‌دیده از تروریسم در جهان است. قابل دسترسی در www.irda.ir/news/83041014

خبرگزاری تسنیم. ۱۳۹۵. فشار پاکستان و تعویق ساخت ۱۲ سد روی دریاچه کابل توسط اشرف غنی. قابل دسترسی در fa.com.tasnimnews.com/news/23/03/1395

خبرگزاری شفقنا. ۱۳۹۶. اهمیت اقتصادی بند کمال خان در حوزه جنوب غرب. قابل دسترسی در www.shafaqna.af/fa/194902

روزنامه اطلاعات روز. ۱۳۹۹. دیپلماسی افغانستان؛ چند روایت فراتر از «کابلی» قابل دسترسی در www.etilaatroz.com/117990/afghan-diplomacy-a-few-narrations-beyond-kabuli-vala



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

روزنامه هشت صبح. ۱۳۹۹. شرایط و چگونگی زندگی دانشجویان در هند. قابل دسترسی در <https://facts-and-thoughts-india-in-study/af.am/>

Arun, Sahgal & Vinod Anand. 2010. "Strategic Environment in Central Asia and India." in Nirmala Joshi (Ed.) Reconnecting India and Central Asia, Singapore: Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program. Available From: <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/Monographs/1004Joshi-V-Strategic.pdf>

Bibi, Zeenat. 2018. "India's Public Diplomacy in Afghanistan and Implications for Pakistan." The Modern Diplomacy, Available From: <https://modern-diplomacy.eu/2018/05/04/indias-public-diplomacy-in-afghanistan-and-implications-for-pakistan/>

Delinic, Tomislav & Pandey, Nishchal. 2014. "Afghanistan in SAARC: Towards Deeper Engagement." Kathmandu, Nepal: Centre For Asian Studies. Available From: <https://www.files.ethz.ch/isn/169382/afghan-conference-CSAS-KAS-policy-paper.pdf>

Drishitias.com. 2019. "India Central Asia Relations." Available From: <https://www.drishitias.com/pdf/1599962170-india-central-asia-relations.pdf>

Embassy of India, Dushanbe, Tajikistan. 2020. "India-Tajikistan Bilateral Relations." Available From: <https://www.eoidushanbe.gov.in/page/bilateral-relations-and-visits/>

Embassy of India, Nur-Sultan, Kazakhstan. 2018 "India-Kazakhstan Relations." Available From: <https://www.indembaстана.gov.in/docs/15759602511.pdf>

Ganguly, Sumit. 2012. "India's Role in Afghanistan." Barcelona: CIDOB Policy Research Project. Available From: https://www.cidob.org/en/content/download/56589/1454678/version/4/file/OK_SUMIT%20GANGULY.pdf

Gareth Price. 2013. "India's Policy towards Afghanistan." The Chathamhouse.org, Available From: https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/public/Research/Asia/0813pp_indiaafghanistan.pdf

Gupta, Arvind. 2020. "India-Central Asia Relations." New Delhi: Vivekananda International Foundation. Available From: <https://www.vifindia.org/sites/default/files/Annual-Report-20-21.pdf>

Mea. 2009. "India and Afghanistan: A Development Partnership." Publication by ministry of external affairs. Available from: https://mea.gov.in/Uploads/PublicationDocs/176_india-and-afghanistan-a-development-partnership.pdf



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

Menon, Rhea & Rajiv, Sharanya.2019. “**Realizing India’s Strategic Interests in Central Asia.**” The Carnegie India, Available From: <https://carnegieindia.org/2019/12/01/realizing-india-s-strategic-interests-in-central-asia-pub-80576/>

Rakesh sood. 2021. “**Redefining India’s role in Afghanistan.**” Available From: <https://www.orfonline.org/research/redefining-indias-role-in-afghanistan/>

Sachdeva, Gulshan. 2010. “**Regional Economic Linkages.**” In Nirmala joshi (Ed.) Reconnecting India and Central Asia, Singapore: Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program, Available From: <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/Monographs/1004Joshi-VII-Linkages.pdf>

Wallace, Rechar. 2014. “**India’s Quest for Energy in Central Asia.**” The Diplomat.com, Available From: <https://thediplomat.com/2014/08/indias-quest-for-energy-in-central-asia/>

What Is India.Com. 2007. “**Indo-Turkmenistan Relations.**” Available From: https://www.whatisindia.com/issues/turkmeni/indo-turkmeni_info.html

Krishnan M , Sethu. 2019. “**India-Afghanistan Relations – Everything you need to know.**” Available From: <https://www.clearias.com/india-afghanistan-relations>

Bajoria , jayshree. 2009. “**India-Afghanistan Relations.**” Available From: <https://www.cfr.org/backgrounder/india-afghanistan-relations>

www.emerald.com.2017.” **Turkmenistan cannot sell more gas despite new find.**” Available From: emerald.com/insight/content/doi/10.1108/OX-AN-DB220904/full/html

Zaharna,R.S.(2009).”**Mapping Out a Spectrum of Public Diplomacy**” in Nancy Snow & Philip M.Taylor (Ed.). Routledge Handbook of Public Diplomacy, New York: Published in association with the USC Center on Public Diplomacy at the Annenberg School based at the University of Southern California.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)